

حکم به اجرای قرارداد باطل به عنوان روشی برای جبران خسارت

قاسم محمدی*
مرتضی جمالی**

چکیده

شیوه‌های جبران خسارت باید با ضرر وارد شده هماهنگ و متناسب باشد تا به نحوی عادلانه، تعادلی که در نتیجه ورود زیان در رابطه طرفین بر هم خورده است، مجدداً برقرار شود. این هدف با محدود کردن شیوه‌های جبران خسارت تأمین نمی‌شود و مقتضی انعطاف نظام حقوقی و از جمله اعطای صلاحیت به دادرس جهت تعیین طریقه و کیفیت جبران خسارت است. یکی از این شیوه‌ها، حکم به التزام و اجرای مفاد قرارداد باطل است که با بررسی مبانی فقهی - حقوقی و نیز مصادیق آن، فهمیده می‌شود که چنانچه این شیوه به درستی و در موضع مناسب خود مورد استفاده قرار گیرد، از جمله شیوه‌های جبران خسارت است که هم با ضرر وارد شده متناسب است و هم به بهترین صورت خسارت را جبران می‌کند. در این مقاله مبانی این روش جبران خسارت موشکافی، مصادیق مهم آن ارائه و النهایه، حکم به الزام به قرارداد باطل به عنوان روش جبران خسارت، قاعده‌سازی شده است.

کلیدواژه‌ها: روش‌های جبران خسارت، نظام جبران خسارت، حکم به اجرای قرارداد باطل، قاعده حکومت.

* عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول) gh.mohammadi@sbu.ac.ir
** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی jamali.morteza@ut.ac.ir
تاریخ دریافت: ۹۴/۰۲/۲۴ تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۴/۰۸

مقدمه

اگر حاکمیت اراده و لزوم امنیت و ثبات قراردادها امکان دخالت دادرس در آنها را محدود می‌سازد، لزوم جبران زیان‌های ناروا در قلمرو وقایع حقوقی دخالت بیشتر دادرس را می‌طلبد. به همین دلیل، رویه قضایی یکی از منابع اصلی حقوق مسئولیت مدنی است. برای تحقق مسئولیت مدنی و حکم به جبران خسارت سه عنصر لازم است: فعل زیان‌بار، ضرر و رابطه سببیت.^۱

پس از احراز ارکان و شرایط مسئولیت مدنی، دادرس باید تمام تلاش خود را برای تعیین شیوه مناسب جبران به کار گیرد. تعیین اینکه خسارت باید از چه طریق جبران شود، بر عهده دادرس است (ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی). اوست که باید مشخص کند که خسارت باید یک‌جا پرداخت شود، یا به اقساط و یا به صورت مستمر؛ و باز این دادرس است که مشخص می‌کند که اشخاص مختلفی که در ورود خسارت تأثیر داشته‌اند، در برابر خواهان یا مسئولیت انفرادی دارند یا تضامنی. اهمیت شیوه‌های جبران، انتخابی که زیان‌دیده در این زمینه انجام می‌دهد و تصمیمی که دادرس در این باره اتخاذ می‌کند، به اندازه‌ای است که حتی گفته می‌شود «شیوه‌های جبران مقدم بر حقوق‌اند».^۲ تنوع شیوه‌های جبران به زیان‌دیده امکان می‌دهد تا متناسب با هدفی که از طرح دعوا داشته و نیز متناسب با ماهیت حقی که توسط خواننده نقض شده است، از دادگاه بخواهد تا رضایت خاطر وی را فراهم آورد. همچنین دادرس را قادر می‌سازد تا «عدالت تصحیحی»^۳ را آن طور که شایسته است، جاری کند.

فعل زیان‌بار گاهی ممکن است باعث تلف نفس یا عضو شود (خسارت بدنی)، گاهی سبب تلف اموال می‌شود (خسارت مالی) و گاهی باعث لطمه به حیثیت و شخصیت انسان می‌شود (خسارت معنوی) و نظایر اینها. لیکن این عمل که عبارت است از کاری که حقوق اعم از قانون یا اخلاق و نظم عمومی آن را منع می‌کند و نامشروع می‌داند، گاهی در رابطه‌ای قراردادی بروز می‌کند و باعث تغییر وضعیت قرارداد می‌شود. این تغییر وضعیت را به طور خلاصه می‌توان چنین بیان کرد:

الف - گاهی بر اثر فعل نامشروع یک طرف قرارداد، خیار برای طرف مقابل محقق می‌گردد، نظیر خیار تدلیس (همراه با حق دریافت خسارت).

۱. کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری، جلد ۱، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۲، صص. ۲۴۱ به بعد؛ داراب‌پور، مه‌راب، مسئولیت‌های خارج از قرارداد، مجد، ۱۳۸۷، صص. ۹۶-۹۵؛ لوراسا، میشل، مسئولیت مدنی، ترجمه محمد اشتری، نشر حقوق دان، ۱۳۷۵، صص. ۱۰۵ به بعد.

2. Remedies Proceeds rights
3. Justice Corrective

ب - گاهی در اثر اعمال نفوذ ناروا و فشار خارجی، شخصی حاضر به انعقاد قرارداد می‌گردد و در نتیجه این عمل باعث «عدم نفوذ» قرارداد می‌گردد (حق ابطال قرارداد).

ج - گاهی «عدم نفوذ» معامله معلول تقصیر یک طرف معامله است؛ با این تفاوت که بر خلاف مورد سابق که عدم نفوذ جهت حمایت از مکره مقرر شده و الزام وی به قرارداد ناعادلانه است، در اینجا اگرچه حکم اولی قرارداد عدم نفوذ است، لیکن در مصادیقی الزام مقصر به پایبندی معامله می‌تواند محل بحث قرار گیرد. مانند پاره‌ای از مصادیق قراردادهای فضولی (اختیار بین دریافت خسارت و ابطال قرارداد).

د - گاهی عمل نامشروع باعث بطلان معامله می‌گردد. بطلانی که حسب مورد می‌تواند به زیان یک طرف معامله یا به زیان ثالث باشد که در اینجا بحث پایبندی به این قراردادها جهت جلوگیری از ورود زیان می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. در هر حال، اثر فعل نامشروع بر قرارداد خارج از موارد یادشده نخواهد بود و علت جدا کردن موارد «ب» و «ج» نیز اگرچه در «عدم نفوذ» مشترک‌اند، به مقررات خاصی باز می‌گردد که بر هر یک از آن دو حاکم است. بحث قابل استناد نبودن قرارداد نیز، به شرحی که خواهد آمد، در قسم چهارم تقسیم‌بندی قرار می‌گیرد.

حکم به الزام و پایبندی یک طرف یا طرفین به یک قرارداد باطل، در ابتدا مفهومی گنگ و قدری خارج از تصور است. لذا جهت روشن‌تر شدن مطلب و نیز مزیت این شیوه در میان سایر شیوه‌هایی که برای جبران خسارت مقرر گردیده است، لازم است مبانی آن تحلیل (بند نخست) گردد و سپس برای ایضاح مطلب، مهم‌ترین مصادیق و مجاری آن ارائه و تبیین گردد (بند دوم).

۱. مبانی الزام به قرارداد باطل به عنوان شیوه جبران خسارت

در این بند سعی می‌کنیم که ضمن چند محور، مبانی یا به تعبیر دیگر دلایل توجیهی این شیوه جبران خسارت را به اجمال طرح و بررسی کنیم.

۱-۱. اصل تناسب میان ضرر و شیوه جبران آن

طبق یک تعریف، اضرار عبارت است از کاستن از دارایی شخص یا جلوگیری از فزونی آن به هر عنوانی که باشد، و میزان ضرر تفاوت میان دارایی فعلی زیان‌دیده و دارایی سابق او است، در صورتی که فعل زیان‌بار رخ نمی‌داد.^۱ لزوم تناسب ضرر و شیوه

۱. یونگ (Young) به نقل از پیر آنژل، رساله تعهدات در حقوق سوئیس، ش ۱۰۹؛ به نقل از: کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری، پیشین، ص. ۲۴۴، برای ملاحظه سایر تعاریف ضرر، ر. ک: عمید زنجانی، عباسعلی، موجبات ضمان، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۲، ص. ۵۷؛ و در حقوق مصر: مرقس، سلیمان، الوافی فی شرح القانون المدنی، جلد ۱، جامعه القاهره، قاهره، الطبعة الخامسة، ۱۹۹۲ م، صص. ۱۳۴ - ۱۳۳.

جبران آن امری عقلایی و عادلانه است. در واقع، با توجه به هدف مسئولیت مدنی که برقراری مجدد عدالت میان زیان‌دیده و فاعل زیان است.^۱ باید روشی را انتخاب کرد که نزدیک‌ترین طریق رسیدن به این هدف باشد. در واقع تلاش‌هایی که حقوق‌دانان و فقها در باب ارائه راهکارهای متفاوت برای جبران ضرر ارائه داده‌اند، نظیر تمایز میان اتلاف مال مثلی و قیمی و مانند آن نیز، در راستای تناسب شیوه جبران و زیان وارده است.^۲

۲-۱. اصل جبران کامل خسارات

بر اساس این اصل، جبران خسارت باید زیان‌دیده را در وضعیتی قرار دهد که اگر فعل زیان‌بار نبود، در آن وضع قرار داشت.^۳ در واقع، حکمت دادن مثل در تلف اموال مثلی این است که زیان‌دیده ناچار نباشد خود به بازار رفته و مثل مال تلف‌شده را اکتیاع نماید. لذا این شیوه، خسارت وی را بهتر و کامل‌تر جبران می‌کند^۴ و همچنین در صورتی که مال تلف قیمی باشد، به‌رغم اختلاف‌نظری که در باب معیار زمانی قیمت وجود دارد، قول کسانی که قیمت یوم‌الاداء را ملاک دانسته‌اند با فلسفه جبران کامل ضرر هماهنگی بیشتری دارد، چرا که ضرر را به صورت کامل‌تری جبران می‌کند. اصل جبران کامل خسارت، جبران خسارت را به یک روند منعطف و قابل تطبیق با پیشرفت فنون و تغییر داده‌های اجتماعی تبدیل می‌کند. بنابراین، اصل مذکور به دادرسی امکان می‌دهد تا جبران خسارت را متناسب با هر قضیه تعیین کند.^۵ در محل بحث نیز، به خصوص آن‌گونه که از مصادیق ارائه‌شده در مبحث دوم بر می‌آید، این شیوه جبران، به‌رغم نو و جدید بودن آن حقیقتاً در موارد خاص اجرای خود، مصداق اتم و اکمل شیوه‌های جبران خسارت است. به تعبیر برخی از حقوق‌دانان غربی، بدون «اصل جبران کامل خسارت»، چنین انعطافی در جبران خسارت که از نظر انسانی و اجتماعی قابل توجیه است، به وسیله دادرسان قابل تحقق نیست.^۶

۱. بادینی، حسن، فلسفه مسئولیت مدنی، نشر میزان، ۱۳۸۲، ص. ۶۲۰.

۲. کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری، پیشین، ص. ۶۸۳. در فقه بعضی فقها برای تقدم مثل بر قیمت به آیه ۱۹۴ سوره بقره تمسک کرده‌اند: «فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم». طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، جلد ۳، المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، چاپ سوم، ۱۳۸۷ ق. ص. ۶۰.

۳. دیوان کشور فرانسه هدف از تعیین غرامت را به این شرح تعریف کرده است: برقراری مجدد و حتی‌الامکان صحیح تعادل و توازی که بر اثر ورود زیان به هم خورده و قرار دادن زیان‌دیده به هزینه مسئول حادثه (فاعل زیان) در موقعیتی که اگر فعل زیان‌بار ارتکاب نمی‌یافت، زیان‌دیده در آن موقعیت قرار داشت (لوراسا، میشل، پیشین، ص. ۱۵۲).

۴. کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری، پیشین، ص. ۶۸۳.

۵. انصاری، باقر، نقش قاضی در تحول نظام حقوقی، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۲، ص. ۲۶۵.

6. Viney, Genevieve; et Patrice Jourdain, Traité de Droit Civil, Les Effets de la Responsabilité, Paris, L.G.D.J, 2001, p. 115 .

۳-۱. تئوری رابطه دینی

بسیاری از فقها و متفکران از دیرباز با تحلیل‌های خود در صدد پاسخگویی به این سؤال بر آمده‌اند که در صورت بروز ضرر، خسارت باید چگونه جبران شود. در این راستا چون عمدتاً ضررهای وارده جنبه مادی داشتند، به تفکیک حکم به دادن بدل یا قیمت آن می‌شد. ولی در همین باب نیز در صورت تعذر رد مثل یا در مورد اموال قیمی در باب معیار زمانی برای تقویم خسارت بسیار گفت‌وگو صورت گرفته و آرای بسیاری ارائه گردیده است. اما شاید بهترین و منعطف‌ترین نظریه که در بسیاری موارد، توان جبران خسارت را به بهترین صورت دارد، این است که گفته شود با بروز فعل زیان‌بار، یک رابطه دینی (تعهد) میان زیان‌دیده و عامل ورود زیان به وجود می‌آید که به موجب آن، عامل زیان ملزم به جبران خسارت و انجام کار خاصی می‌شود. در واقع طبق این نظریه، به محض ورود خسارت، ذمه عامل زیان به مورد خاصی نظیر مثل یا قیمت مشغول نمی‌شود؛ بلکه ذمه وی به یک تعهد کلی مشغول می‌شود؛ امری که گذشت زمان بر تغییر آن تأثیری ندارد. آنچه این تعهد کلی را تبدیل به تعهد جزئی می‌نماید و به آن صورت عینی و خارجی می‌بخشد، حکم دادگاه است که در این موارد واجد دو حیثیت است: یک حیثیت تأسیسی و یک حیثیت اعلامی. از آن جهت که به تعهد کلی مسئول صورت خارجی می‌بخشد، تأسیسی است و از جهت شناسایی طلب نیز جنبه اعلامی دارد.^۱ به نظر می‌رسد که بایستی اختیار مندرج در ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی را، که برای تعیین طریقه و کیفیت خسارت به دادرس صلاحیت داده است، مبتنی بر همین نظریه رابطه دینی دانست و از این طریق، شیوه‌های از پیش تعیین‌شده جبران خسارت را تعدیل نمود و به هماهنگ‌تر کردن شیوه‌های جبران خسارت و ضرر پرداخت که این امر به نوبه خود در راستای هدفی والاتر یعنی «جبران کامل زیان» است. با این تحلیل موضوع این نوشتار نیز از غربت خارج شده و می‌تواند در میان سایر روش‌های جبران، جایگاه شایسته خود را بیابد، زیرا در این باره نیز با بروز فعل ضرری، دادگاه تکلیف کلی عامل زیان را نه به صورت مبلغی پول، بلکه در قالب پایبندی به مفاد قرارداد باطل و اجرای آن تعیین می‌بخشد.

۴-۱. از بین بردن منبع ضرر

یکی از مهم‌ترین شیوه‌های جبران خسارت، شیوه جبران عینی است. یعنی زیان‌دیده در همان وضعی قرار داده شود که پیش از وقوع فعل زیان‌بار قرار داشت. یکی از فروع این اصل، از بین بردن منبع ضرر است که البته در مورد زیان‌های آینده مؤثر

۱. کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری، پیشین، ص. ۶۶۷.

بوده و زیان‌های گذشته را جبران نمی‌کند. به نظر می‌رسد که علاوه بر مبانی فقهی این بحث که عمدتاً در قالب «قاعده لاضرر» و «قاعده سد ذرایع» قابل طرح است، اصل ۴۰ قانون اساسی^۱، ماده ۱۳۲ قانون مدنی^۲ و ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی^۳، مهم‌ترین مستندات لزوم رفع منبع ضرر در حقوق موضوعه ما محسوب می‌شوند. البته برداشتی نو از مستندات قانونی مذکور در ادبیات حقوقی ما درصدد است تا دامنه شمول آنها را فراتر از وقایع حقوقی زیان‌بار برده و اعمال حقوقی زیان‌بار را نیز تحت شمول قرار دهد. اگر جلوگیری از ضرر دیگری بتواند مالک را از تصرف مادی در ملک خود ممنوع دارد، چرا این منع شامل تصرفات حقوقی نشود؟ از این رو به نظر می‌رسد که انجام اعمال حقوقی همانند فسخ ناموجه یا عدول زیان‌بار از ایجاب یک عقد نیز تابع همین حکم است و به استناد زایل شدن عمل حقوقی، نمی‌توان موجبات تداوم وضعیت زیان‌آفرین شخص متضرر را فراهم آورد.^۴

۵-۱. سابقه قاعده حکومت و نهاد صلح قهری^۵ در فقه امامیه

مطابق قاعده حکومت، که برخی از فقها از آن تحت عنوان قاعده ارش نیز یاد می‌کنند، در هر موردی که اصل حکمی لازم‌الاجرا از طرف شارع تشریح شده، لکن کیفیت و کمیت آن به سکوت گذارده شده باشد، مانند آنچه در تعزیرات، دیه اطراف و مانند اینها مشاهده می‌گردد، لزوم معطل نماندن حکم، اقتضای آن را دارد که کیفیت و کمیت اجرای آن بنا به اوضاع و احوال هر قضیه توسط حاکم (دادگاه) تعیین گردد.^۶ در واقع، اطلاق عنوان «حکومت» بر این قاعده نیز می‌تواند متأثر از حکمی بودن اختیار قاضی در انتخاب روش اجرای این احکام بوده باشد. از طرفی آنچه صراحتاً در فقه امامیه در حوزه مسئولیت مدنی از جانب شارع بیان گردیده است، حکم به تحریم اعمال

۱. هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

۲. کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود، مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد.

۳. ... کسی که در اثر انتشارات مزبور یا سایر وسایل مخالف با حسن نیت مشتریانش کم و یا در معرض از بین رفتن باشد، می‌تواند موقوف شدن عملیات مزبور را خواسته و در صورت اثبات تقصیر، زیان وارده را از وارد کننده مطالبه نماید.

۴. در تأیید و تفصیل بحث، ر. ک: انصاری، باقر، پیشین، صص. ۲۷۰ - ۲۶۸.

۵. نظیر این نهاد به صورت مهایات قهری در ماده ۱۰۸۵ مجله الاحکام نیز پیش‌بینی شده بود: نجفی، عباس بن علی (کاشف الغطاء)، تحریر المجله، جلد ۲، المکتبه المرتضویه، قم، ۱۳۵۹، ص. ۲۱۳.

۶. عاملی، زین‌الدین بن علی (شهید ثانی)، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، جلد ۱۸، موسسه المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۳ ق، ص. ۱۵۱؛ حائری، سیدعلی بن محمد طباطبایی، ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل، جلد ۹، موسسه آل‌البتیت علیهم السلام، قم، ۱۴۱۸ ق، ص. ۴۷۳.

زیان‌بار همراه با لزوم جبران آن می‌باشد و اساساً در منابع معتبر، در خصوص شیوه جبران خسارت حکمی نقل نشده و اگر هم پاره‌ای روایات از معصومین به دست ما رسیده باشد، نظر معصوم (ع) نسبت به شیوه جبران، مختص قضیه مربوطه و ارشادی بوده است. با این مقدمه به نظر می‌رسد که انتخاب کیفیت و میزان جبران خسارات اساساً با دادگاه بوده و این اختیار، گرت‌برداری صرف از حقوق غربی به شمار نمی‌آید. از طرفی در راستای همین قاعده و اختیار، در پاره‌ای از موارد عنوان صلح قهری در فقه امامیه مورد استناد فقها قرار گرفته است که از جمله در بحث دیات، موارد مختلفی از صلح اجباری را می‌توان مشاهده نمود. این امر به این دلیل است که احراز حکم و موضوع گاه در مورد دیات بسیار دشوار می‌شود و همین امر فقها را به سمت مصالحه ترغیب می‌نماید و به قاضی اختیار می‌دهند که از طریق صلح قهری، اختلاف را قطع نماید.^۱ هر چند به زعم برخی، نهاد صلح قهری صرفاً در مورد خسارات بدنی قابل طرح است.^۲ لکن به نظر می‌رسد که امکان ایجاد موقعیت قراردادی فرضی توسط قاضی در مورد جنایات بدنی و تحمیل آن بر طرفین دعوا، خصوصیت نداشته و در مورد خسارات مالی نیز امری معقول و دارای همان ملاک خسارات بدنی، یعنی مشخص نبودن کیفیت و میزان جبران خسارات می‌باشد.

۶-۱. جبران نسبی در مقابل جبران نوعی

به نظر می‌رسد که دادگاه‌ها باید در هر مورد به طور نسبی قضاوت کنند و حکم نوعی ندهند. توضیح اینکه اساساً مسئولیت مدنی، با توجه به شرایط خاص هر دعوا، میزان خسارت را تعیین می‌کند. اما در برخی موارد، ناچار از رعایت حکم کلی است.^۳ در بحث ما که بطلان قرارداد باعث ورود ضرر به شخص گردیده و باعث محروم ماندن وی از موقعیت قراردادی مورد انتظار گشته است، ممکن است حکم نوعی این باشد که در هر حال، هر زیان‌زننده‌ای باید معادل مبلغی پول را به زیان‌دیده پرداخت نماید، بدون اینکه وضع عامل زیان، مورد به مورد، متفاوت باشد. به عبارت دیگر با قبول این جزم‌اندیشی و «جبران نوعی»، دادگاه در هر حال باید در اصل موضوع حکم یکسان دهد و به اوضاع و احوال قضیه از جمله علم و سوءنیت زیان‌زننده یا وضعیت خاص زیان‌دیده و ... توجهی ننماید. «جبران نسبی» دقیقاً این اختیار را به دادگاه می‌دهد که هر یک از این عوامل را در تعیین میزان خسارت و نحوه جبران آن ارزیابی کند. بر این

۱. خدابخشی، عبدالله، حقوق دعاوی، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۲، ص. ۴۸۳.

۲. نجفی، عباس بن علی (کاشف الغطاء)، النظر الناقد و نیل الطالب، جلد ۱، مؤسسه کاشف الغطاء، قم، بی‌تا، ص. ۱۷۱.

۳. خدابخشی، عبدالله، پیشین، ص. ۳۹۱.

اساس به نظر می‌رسد که با تغییر جهت‌گیری سیاست قضایی به سمت جبران نسبی خسارات، امکان الزام به قرارداد باطل در مواردی که بهترین شیوه برای جبران خسارت وارده حسب اوضاع و احوال خاص آن دعوا بوده باشد، فراهم می‌آید.

۷-۱. ضرورت بازنگری در شیوه‌های سنتی جبران خسارت

با نگاهی گذرا به شیوه‌های جبران خسارت در فقه، حقوق موضوعه کشور ما و حتی سایر کشورهای دارای حقوق مدرن پی می‌بریم که شیوه‌های جبران خسارت عمدتاً در چند شیوه خاص محصور شده است.^۱ اگرچه ممکن است تمایل نظام‌های حقوقی به سمت روش خاصی متفاوت باشد. برای مثال، نظام‌هایی چون حقوق اسکاندیناوی و انگلیس و آمریکا وسیله متعارف جبران خسارت را پرداخت پول می‌دانند، در حالی که در حقوق آلمان، سوئیس، اتریش و فرانسه تمایل به شیوه رد عین و اجرای تعهد هستند.^۲ لیکن باید توجه داشت که عدالت مفهومی نسبی است و در قالب‌های از پیش تعیین شده نمی‌گنجد. عدالت مفهومی است اخلاقی و اخلاق هر جامعه نیز محصول تاریخ، ارزش‌ها و مذهب و اعتقادات آن جامعه است. در باب مسئولیت مدنی نیز هر نظام حقوقی در پی تمهید شیوه‌های گوناگونی برای جبران خسارت است تا به نظم یگانه‌ای پایبند نشود و نظریه‌ها و رویه‌ها نیز برای پاسخگویی به نیازها بوجود می‌آید.^۳ امری که نویسندگان در این نوشتار به دنبال آن هستند که از جمع مطالب پراکنده و تنقیح و پروردن آن، شیوه جدید الزام به قرارداد باطل را برای جبران خسارت به عالم حقوق تجویز کنند.

۲. مصادیق قرارداد باطل

در میان موارد مسئولیت مدنی مصادیق واضحی وجود دارند که به نظر می‌رسد مجرای اصلی این روش جبران خسارت بوده باشند. این قراردادها را به اعتبار زیان‌دیده می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

- قراردادهایی که به دلیل فعل منتسب به یک طرف قرارداد باطل می‌شود و زیان‌دیده طرف دیگر قرارداد است.
- قراردادهایی که بطلان یا عدم اعتبار آنها باعث ورود زیان به ثالث می‌گردد.

۱. لوراسا، میشل، پیشین، صص. ۱۵۰ به بعد.

۲. کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری، پیشین، صص. ۴۲۷.

۳. «عصر تجربه و حقوق تجربی: اصول جبران خسارت در نظام حقوقی امریکا»، مجله دانشکده حقوق و علوم

سیاسی، شماره ۴۱، پاییز ۱۳۷۷، صص. ۸۸ و ۸۹.

در این مبحث مصادیق قرارداد باطل که منجر به زیان یکی از طرفین قرارداد و قراردادهای باطلی که منشأ ورود ضرر به شخص ثالث می‌گردند، به طور جداگانه بیان و امکان اعمال این روش جبران خسارت در هر کدام بررسی می‌گردد.

۱-۲. زیان دیده بودن یکی از طرفین قرارداد

در این حوزه به رغم دشواری یافتن مصادیق، پنج مصداق طرح و بررسی می‌گردد. اگرچه مصادیق این گفتار منحصر در این موارد نیست.

۱-۱-۲. وانمود کردن به معامله

در این مورد شخصی که قصد انجام معامله ندارد با رفتار خود باعث فریب طرف دیگر معامله شده و وی به تصور وجود قصد واقعی از جانب طرف مقابل به انعقاد قرارداد با وی می‌پردازد. می‌دانیم که در صورت فقدان قصد انشا، قرارداد باطل خواهد بود (ماده ۱۹۰ قانون مدنی). اما بطلان قرارداد، حکم وضعی قرارداد است دال بر عدم تحقق ماهیت در عالم اعتبار؛ و وسیله جبران خسارت محسوب نمی‌شود و حکم بطلان قرارداد منافاتی با درخواست جبران خسارت ندارد. پس اگر فردی که اراده جدی بر انجام معامله ندارد، چنان وانمود کند که طرف قرارداد قرار گرفته است و عبارتی به کار برد که مخاطب را دچار این توهم سازد که با اعلان بطلان معامله، طرف قرارداد حق دارد خسارت ناشی از این عمل را از وی مطالبه کند.^۱ در واقع در اینجا نیز مقصر طبق قواعد عمومی مسئول جبران زیان‌های ناشی از تقصیر است و «عادلان‌ترین راه جبران خسارت این است که قرارداد موضوع دعوا نافذ بماند و طرف بی‌گناه وضع پیشین خود را به دست آورد.»^۲

۲-۱-۲. اشتباه در بیان اراده

اشتباه از عیوب اراده محسوب می‌شود، اما هر اشتباهی نمی‌تواند مستند بی‌اعتباری قرارداد قرار گیرد؛ بلکه، چنانچه در شرایط تأثیر اشتباه بیان می‌شود، اشتباه باید اساسی، یعنی در علت عمده عقد، باشد و ثانیاً اشتباه باید در قلمرو تراضی وارد شده باشد.^۳ زیرا عقد یک رابطه اجتماعی است و اشتباه باید از این دیدگاه مورد بررسی قرار گیرد. لکن بحث در فرضی است که در بیان و انتقال اراده اشتباهی صورت می‌گیرد

۱. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها، جلد ۲، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، چاپ پنجم، ۱۳۷۹، صص. ۳۳۲ - ۳۱۹.

۲. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها، پیشین، ص. ۳۴۴.

۳. نائینی، میرزا محمد حسین غروی، منیه الطالب فی حاشیه المکاسب، جلد ۱، المکتبه المحمدیه، تهران، ۱۳۷۳، ص. ۴۰۷.

که شاید فرض شایع آن در عقود میان غایبان است که اراده‌ها با وسایل ارتباطی ارسال می‌گردد. مثلاً در فرضی که تلگرام یا تلکس به اشتباه مخابره شود یا در هر فرض دیگری که اراده بوسیله ثالث اعلام می‌شود، اشتباهی صورت گیرد و توافقی مبتنی بر این اشتباه صورت گیرد، در اینجا بعضی نویسندگان عقد را نافذ قلمداد کرده و فرستنده خبر را به مفاد آن پایبند می‌دانند؛ چه، از آنجایی که هرکس به میل خود وسیله انتقال و بیان مقصود را تعیین می‌کند، مسئولیت نادرستی آن نیز بر عهده وی است و طرف بی‌تقصیر نباید قربانی اشتباه وی شود.^۱ برخی نیز الزام شخص مقصر را لازمه تسهیل امر تجارت تلقی کرده‌اند.^۲

این استدلال‌ها در حقوق ما پذیرفته نیست. زیرا چه‌بسا فرستنده به میل خود وسیله را انتخاب نکرده باشد و این شرط را طرف مقابل قرار داده باشد که اراده با چه وسیله‌ای بیان شود و مشخص است که اداره پست را نمی‌توان نماینده طرف قرارداد دانست و استحسان تسهیل تجارت نیز به‌شدت مورد تردید است. لذا در این موارد باید قائل شد که عقد به دلیل عدم تحقق تراضی واقع نمی‌شود و حداکثر دادگاه بتواند در صورتی که لازمه جبران خسارت بداند، وقوع قرارداد را بر فرستنده خطاکار تحمیل کند.^۳

۳-۱-۲. عدول از ایجاب

در این باب باید گفت که اگر تعهدی صریح یا ضمنی از طرف گوینده ایجاب مبنی بر نگهداری ایجاب طی مدت خاصی بشود و مورد قبول طرف مقابل قرار گیرد، در لزوم پایبندی به ایجاب چندان بحثی وجود ندارد.^۴ اما در فرضی که چنین توافقی نیز صورت نگرفته باشد، با توجه به عرف تجاری امروز اگر قرار باشد در قراردادهایی که بین غایبان صورت می‌گیرد، موجب بدون هیچ مسئولیتی بتواند عدول کند، نظم و امنیت در روابط تجاری مختل خواهد شد. لذا کشورها سعی در پذیرفتن الزام‌آور بودن ایجاب دارند. ماده ۱۴۵ قانون مدنی آلمان و مواد ۳، ۴، ۵، ۸ و ۹ قانون تعهدات سوییس در این رابطه مقرر گردیده است.^۵

۱. دموگ، حقوق قراردادها، ص. ۴۵ به نقل از: کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها، جلد ۱،

پیشین، ص. ۴۰۹.

۲. کوربن، قراردادها، شماره ۱۰۵، به نقل از کاتوزیان، ناصر، همان.

۳. کاتوزیان، ناصر، همان، ص. ۴۱۰.

4. Anson, William, Principles of the English Law of Contract and Agency in its Relation to Contract, London, Oxford, 19th ed, 1947, pp. 42-45; Traitel, Ghestin, Law of Contract, London, Sweet & Maxwell, 9th ed, 1995, p. 32.

۵. جهت تفصیل بحث، رک: جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق تعهدات، جلد ۱، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۳.

صص. ۹۴ و ۹۵؛ واحدی، جواد، گزیده متون حقوقی: قانون تعهدات سوئیس، میزان، ۱۳۸۷، صص. ۱۲ - ۱۰.

اگرچه نویسندگان در باب مبنای الزام آور بودن به اختلاف پرداخته‌اند، بعضی آن را مبتنی بر نظریه پیش‌قرارداد می‌دانند،^۱ برخی آن را مبتنی بر نظریه جرم مدنی می‌دانند^۲ و برخی نیز با توسل به نظریه تعهد یک‌طرفه یا ایقاع لازم به تحلیل مسأله پرداخته‌اند.^۳ صرف نظر از ورود به این بحث و کشف نظریه صحیح‌تر، باید گفت که مبنای لزوم هر چه باشد به این امر منتهی می‌گردد که عدول از ایجاب چنانچه به زیان طرف مقابل باشد، باعث مسئولیت مدنی موجب خواهد بود. در این راستا به نظر برخی اساتید، از منظر اصول، چنانچه دادگاه مقتضی بداند، می‌تواند از باب جبران خسارت، ایجاب‌کننده مقصر را به انجام معامله اجبار کند؛ زیرا مطابق ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی تعیین طریقه و کیفیت جبران خسارت، با توجه به اوضاع و احوال قضیه با دادگاه است. اگرچه خود ایشان نیز متذکر می‌گردند که «حکم به انعقاد قراردادی که تراضی در آن وجود ندارد و به عنوان وسیله جبران خسارت، از ذهن دادرسان ما چندان دور است که رویه قضایی به دشواری می‌تواند آن را بپذیرد.»^۴

۲-۱-۴. معامله فضولی

مطابق ملاک ماده ۲۴۷ قانون مدنی، معامله به مال غیر و تعهد از جانب غیر بدون داشتن سمت نافذ نیست مگر اینکه توسط مالک یا شخصی که از جانب وی تعهد شده است، تنفیذ شود. در بسیاری موارد عمل فضول، خارج از معیار یک انسان متعارف و به تعبیر دیگر تقصیر محسوب می‌شود و چه بسا در صورت عدم تنفیذ معامله، به طرف ناآگاه که با فضول قراردادی منعقد نموده است، زیان وارد می‌شود. در این حالت می‌توان گفت که چنانچه انجام موضوع قرارداد توسط فضول ممکن باشد، می‌توان از باب جبران خسارت وی را ملزم به قرارداد منعقدشده دانست؛ مگر در مواردی که به دلیل طبع خاص موضوع قرارداد انجام آن توسط فضول متعذر باشد. برای مثال، شخصی از جانب یک جراح مشهور پیشنهاد عملی سخت را پذیرفته باشد. در باب فرضی که فضول مال دیگری را انتقال می‌دهد امکان الزام وی به تحویل آن مال ممکن نیست، چه بسا با امتناع مالک مواجه شود. لیکن در همین فرض نیز چنانچه موضوع معامله به طریقی چون قرارداد یا ارث به وی منتقل گردد، اگرچه

۱. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها، جلد ۱، پیشین، ص. ۳۱۰؛ السنهوری، عبدالرزاق احمد، نظریه العقد، جلد ۱، خرسندی، ۱۳۹۱، ص. ۲۴۶.

۲. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها، جلد ۱، پیشین، صص. ۳۱۴ و ۳۱۵؛ السنهوری، عبدالرزاق احمد، پیشین، ص. ۲۴۵.

۳. السنهوری، عبدالرزاق احمد، همان، ص. ۱۱۹۹.

۴. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها، جلد ۱، پیشین، ص. ۳۱۵.

مطابق نظر فقها، فضول استقلال خود را در اجازه و رد معامله حفظ می‌کند،^۱ زیرا وی به وراثت، حق رد و اجازه را دارا است و چه بسا دادگاه عادلانه‌ترین وسیله جبران خسارت را تأیید قرارداد فضولی قرار دهد.

۲-۵. حکم بازنشستگی

این مورد که به عنوان آخرین مصداق این گفتار مطرح می‌گردد، مثالی است جامع که به نوعی محل تحلیل مصداق‌های سابق نیز می‌باشد. فرض کنید که شخصی به این امید که پس از ۱۰ سال بتواند بازنشسته شود و از مزایای این قرارداد همچون مستمری استفاده نماید، اقدام به انعقاد قرارداد بیمه نموده، اما پس از ۱۰ سال با این ادعای شرکت بیمه مواجه شود که شما از ابتدای شرایط بیمه شدن را نداشته‌اید و لذا قرارداد منعقدشده با شما اساساً باطل است. آنچه واضح است اینکه بطلان قرارداد منتسب به شرکت بیمه است؛ زیرا وی باید از ابتدا احراز می‌کرد که متقاضی پوشش بیمه شرایط را داراست یا خیر (البته در فرضی که نتوان متقاضی بیمه را عامل این اشتباه شرکت بیمه دانست) و پیش‌تر در باب اشتباه در بیان اراده نیز دیدیم که شاید بتوان به عنوان قاعده گفت که هر گاه بطلان قرارداد منتسب به یک طرف عقد باشد، در صورت تقاضای طرف دیگر و چنانچه دادگاه مقتضی بداند، مطابق اختیاری که در تعیین کیفیت شیوه جبران خسارت دارد (ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی) حکم به صحت قرارداد یا التزام و پایبندی به قرارداد باطل بدهد.

۲-۲. زیان دیده بودن ثالث

ممکن است این طور به نظر برسد که عقد باطل هیچ اثری ندارد. اما این عقیده را به طور کامل نمی‌توان پذیرفت، زیرا گاه احکامی در قوانین دیده می‌شود که نشان‌دهنده وجود پاره‌ای از آثار جنبی بر عقد باطل است؛ نظیر ضمان درک، که اگرچه در بند ۲ ماده ۳۶۲ قانون مدنی از آثار بیع صحیح قلمداد شده است، لیکن این حکم از نتایج بیع صحیح نیست. زیرا اگر بیع ملک دیگری باشد، به این معنی است که عقد صحیحاً واقع نشده است و حق این بود که قانون ضمان درک را از آثار بیع فاسد و ناشی از حکم قانون قرار می‌داد.^۲ یا اینکه نکاح فاسد، چنانچه سوءنیتی در کار نباشد، در

۱. حلی، مقداد بن عبدالله سیوری، التنقیح الرائع لمختصر الشرایع، جلد ۲، انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ق. ص. ۲۶؛ عاملی، محمد بن مکی، الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه، جلد ۳، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۷ ق، ص. ۱۹۳؛ حکیم، سیدمحسن طباطبایی، نهج الفقاهه، انتشارات ۲۲ بهمن، قم، بی‌تا، ص. ۲۵۱.

۲. حقوق مدنی: عقود معین، جلد ۱، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، چاپ هشتم، ۱۳۸۰، ص. ۲۲۳.

ایجاد نسب مؤثر است و زن باید عده طلاق نگه دارد. از همین باب است ضمان و الزام به پرداخت اجرت المثل در عقود فاسد.^۱

اما گاهی وضع پیچیده‌تری بروز می‌کند، به گونه‌ای که به رغم بطلان معامله، طرفین نمی‌توانند به این بطلان در برابر ثالث استناد کنند. لازم به ذکر است که بحث عدم قابلیت استناد می‌تواند به دو صورت کلی مطرح گردد:

نخست، موردی که عقدی میان دو نفر به وجه صحیح منعقد شده است، لیکن به‌رغم صحت معامله طرفین نمی‌توانند به این قرارداد در برابر ثالث استناد کنند، مانند معامله به قصد فرار از دین،^۲ معاملات خریدار در برابر شفیع، قرارداد حق الوکاله، انتقال املاک با سند عادی به نظر برخی نویسندگان^۳، ماده ۴۰ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت و ماده ۱۱۶ قانون تجارت.^۴

دوم، موردی که قرارداد منعقدشده میان دو نفر باطل است؛ لیکن به‌رغم آن، در برابر ثالث نمی‌توانند به این بطلان استناد کنند و گویی این قرارداد در برابر ثالث در حکم صحیح است. این بخش که در واقع محل این بحث است را بعضی بطلان نسبی نام نهاده‌اند^۵ که مفهومی متفاوت از بطلان نسبی در حقوق فرانسه است.^۶ این نامگذاری از این جهت است که قرارداد تنها نسبت به طرفین باطل محسوب می‌شود. مصادیق این قسم را می‌توان در ماده ۱۰۰ قانون تجارت^۷ و ماده ۲۷۰ لایحه اصلاحی آن^۸ ملاحظه کرد.

۱. کاتوزیان، حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها، جلد دوم، پیشین، ص. ۳۰۱.
۲. ماده ۴ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ مقرر می‌دارد: «هرکس به قصد فرار از ادای دین ... مال خود را به دیگری انتقال دهد به نحوی که باقی‌مانده اموالش برای پرداخت بدهی او کافی نباشد، عمل او جرم تلقی ... و انتقال‌گیرنده نیز در صورتی که با علم به موضوع اقدام کرده باشد شریک جرم محسوب می‌گردد و در این صورت اگر مال در مالکیت انتقال‌گیرنده باشد، عین آن و در غیر این صورت قیمت یا مثل آن از اموال انتقال‌گیرنده بابت تأدیه دین استیفا خواهد شد.»
۳. ایزانلو، محسن؛ و صادق شریعتی‌نسب، «مطالعه تطبیقی عدم قابلیت استناد در حقوق ایران و فرانسه»، مجله حقوق خصوصی، دوره نهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ص. ۵۳.
۴. برای مثال در انتهای ماده ۱۱۶ قانون تجارت مقرر شده است: «هر قراری که بین شرکا برخلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کان‌لم‌یکن خواهد بود.»
۵. ایزانلو، محسن؛ و صادق شریعتی‌نسب، پیشین، ص. ۴۵.
۶. بطلان نسبی در حقوق فرانسه وضع عمل حقوقی صحیح و نافذی است که ممکن است از سوی یکی از طرفین ابطال شود. در واقع در حقوق فرانسه اشاره به عملی دارد که «مراعی» میان صحت و بطلان است با رد ذی‌نفع، از روز نخست، باطل و با سکوت یا تأیید او نافذ می‌ماند. ژاک فلور، ژان ابر و اریک ساو، جلد ۱، صص. ۳۲۶ - ۳۲۵ به نقل از ایزانلو، محسن؛ و صادق شریعتی‌نسب، ص. ۴۴.
۷. ماده ۱۰۰ قانون تجارت «هر شرکت با مسئولیت محدود که برخلاف مواد ۹۶ و ۹۷ تشکیل شده باشد باطل و از درجه اعتبار ساقط است لیکن شرکا در مقابل اشخاص ثالث حق استناد به این بطلان ندارند.»
۸. ماده ۲۷۰ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت: «... بنا به درخواست هر ذی‌نفع بطلان شرکت یا عملیات یا تصمیمات مذکور به حکم دادگاه اعلان خواهد شد، لیکن مؤسسين و مدیران و بازرسان و صاحبان سهام شرکت نمی‌توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد نمایند.»

اما بحث این است که آیا می‌توان از ملاک این مواد استفاده کرد و در جایی که بطلان قرارداد منعقدشده میان دو نفر به زیان ثالث است، گفت که بطلان در برابر وی قابل استناد نیست و طرفین در قبال وی ملتزم به قرارداد باطل هستند. فرض کنیم که متصرف مالی وانمود کند که مالک آن است و با فریب دادن طلبکار خود مال را وثیقه قرارداد دهد. لیکن به هنگام استفاده از رهن مدعی گردد که مالک مال شخص دیگری است. در این حالت چنانچه طرفین قرارداد صوری به این عقد ملتزم گردند، هیچ ضرری به طلبکار نمی‌رسد؛ بلکه مال در رهن وی باقی می‌ماند. اما باید توجه داشت که موارد بطلان نسبی به معنای پیش‌گفته در حقوق ما جنبه استثنایی دارد و امری است خلاف اصول و نیاز تصریح مقنن و در واقع، باطل بودن عقد وانمودشده در رابطه طرفین و اعتبار آن نسبت به ثالث مجازی است که به سادگی قابل پذیرفتن نیست. اما استفاده از مسئولیت مدنی طرفین قرارداد ناقض هیچ اصلی نیست. دادگاه به موجب اختیاری که وفق ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی دارد، می‌تواند در مقام جبران خسارت حکم به التزام طرفین قرارداد وانمودشده به آن بدهد. اتخاذ چنین تصمیمی برای دادگاه‌های ما که عادت کرده‌اند خسارات را با پول جبران کنند، مشکل است. لکن به تعبیر بعضی حقوق‌دانان، برای چیره‌شدن به دشواری‌های اجتماعی و تازه نگاه داشتن حقوق کهن، این نیاز وجود دارد که گاه عادت‌های خرق و سنتی شکسته شود.

آنچه به عنوان برآیند این قسمت به صورت مختصر می‌توان گفت این است که حکم به التزام و اجرای مفاد قرارداد باطل از باب مسئولیت مدنی، اگرچه امری غریب در نظام حقوقی ماست، لیکن در شرایطی مانند موارد پیش‌گفته، عادلانه‌ترین شیوه جبران خسارت یا جلوگیری از ورود خسارت است؛ امری که با تحلیل صحیح در نظام حقوقی ما به راحتی قابل پذیرش است.

نتیجه‌گیری

این شیوه جبران خسارت با این مزایا و اهمیت، لاجرم بایستی با یک سری دلایل توجیهی حمایت شود تا به سادگی آماج انتقاد قرار نگیرد و از طرف دیگر با تحلیل صحیح، جایگاه آن در میان روش‌های جبران خسارت مشخص و موارد صحیح استفاده آن معین گردد. در این راستا اثبات کردیم که شیوه اتخاذشده، علاوه بر اینکه با مبانی و اصول حاکم بر نظام جبران خسارات کاملاً هماهنگ است، متناسب‌ترین شیوه برای خساراتی از این دست است و با معیار تناسب ضرر و جبران کاملاً تناسب دارد. از طرف دیگر مزیت این شیوه جبران خسارت، جامعیت و کمال آن است؛ به نحوی که زیان‌دیده را در وضعی قرار می‌دهد که گویی زبانی به وی وارد نشده است. مضافاً اینکه طرح چنین شیوه‌هایی برای جبران خسارت در کنار روش‌های سنتی و عدم پایبندی خشک و غیرمنطقی به روش‌های سنتی لازمه پویایی یک نظام حقوقی و هماهنگی با مفهوم عدالت است که اقتضائات آن با توجه به شرایط، متفاوت خواهد بود. به‌علاوه طرح چنین روش‌هایی گشاینده دریچه‌ای برای ورود روش‌های جدیدتر و متناسب با موضوعات دیگر است که به نوبه خود به عنای قواعد یک نظام حقوقی کمک می‌کند. نکته آخر اینکه، مبانی تحلیلی این شیوه جبران خسارت و سایر روش‌های از این دست با تئوری رابطه دینی بصورت یک کلی فی‌الذمه که برای تعیین در تکلیف خاص نیازمند حکم قضایی است، قابل توجیه بوده و مبانی ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی از این باب، و مبانی فقهی آن در قاعده حکومت و نهاد صلح قهری سرچشمه می‌گیرد.

تبیین مصادیق قرارداد باطل که توجیه‌کننده التزام به آن از باب مسئولیت مدنی باشد، امری است بسیار مهم که می‌بایست با دقت صورت گیرد و آلا چه‌بسا امری چنین مهم، کم اهمیت جلوه نماید. در خلال مصادیق قرارداد باطل و با توجه به تقسیم‌بندی به عمل آمده از آن، که زیان‌دیده حسب مورد طرف قرارداد باشد یا ثالث، به طبیعت خاص این نوع خسارت پی بردیم و در اثنای مباحث، شیوه‌ای مناسب برای جبران اتم و اکمل این خسارت (التزام به قرارداد باطل) تبیین گردید. به نظر می‌رسد که چنانچه در این مصادیق و موارد مشابه آن طرف یا طرف‌های عامل زیان، به‌رغم بطلان قرارداد بدان پایبند بمانند، زیان‌دیده در وضعیتی قرار می‌گیرد که گویی زبانی متوجه وی نشده است این در واقع غایت آمال حقوق مسئولیت مدنی است.

منابع

- اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان، جلد ۱۰، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۳ ق.
- انصاری، باقر، نقش قاضی در تحول نظام حقوقی، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۲.
- ایزانلو، محسن؛ و صادق شریعتی نسب، «مطالعه تطبیقی عدم قابلیت استناد در حقوق ایران و فرانسه»، مجله حقوق خصوصی، دوره نهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱.
- بادینی، حسن، فلسفه مسئولیت مدنی، نشر میزان، ۱۳۸۲.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق تعهدات، جلد ۱، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۳.
- حائری، سیدعلی بن محمد طباطبایی، ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل، جلد ۹، موسسه آل البيت عليهم السلام، قم، ۱۴۱۸ ق.
- حکیم، سید محسن طباطبایی، نهج الفقاهه، انتشارات ۲۲ بهمن، قم، بی تا.
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، ارشاد الاذهان الی احکام الایمان، جلد ۱، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۰ ق.
- حلی، مقداد بن عبدالله سیوری، التنقیح الرائع لمختصر الشرایع، جلد ۲، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.
- _____، ضد القواعد الفقہیہ علی مذهب الامامیہ، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۳ ق.
- خدابخشی، عبدالله، حقوق دعاوی، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۲.
- داراب پور، مهرباب، مسئولیت های خارج از قرارداد، مجد، ۱۳۸۷.
- دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری، کتاب مکاسب المحرمه والبیع والخیارات، جلد ۶، منشورات دارالذخائر، قم، ۱۴۱۱ ق.
- السنهوری، عبدالرزاق احمد، نظریه العقد، جلد ۱، خرسندی، ۱۳۹۱.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیہ، جلد ۳، المكتبة المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریہ، چاپ سوم، ۱۳۸۷ ق.
- عاملی، سیدجواد بن محمد حسینی، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، جلد ۱۵، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۹ ق.
- عاملی، محمد بن مکی، الدروس الشرعیه فی فقه الامامیہ، جلد ۳، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۷ ق.

- عاملی، زین‌الدین بن علی (شهید ثانی)، مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام، جلد ۱۸، موسسه المعارف الاسلاميه، قم، ۱۴۱۳ ق.
- عمید زنجانی، عباسعلی، موجبات ضمان، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۲.
- کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری، جلد‌های ۱ و ۲، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۲.
- _____، حقوق مدنی: ایقاع، نشر میزان، چاپ چهارم، ۱۳۹۱.
- _____، حقوق مدنی: عقود معین، جلد ۱، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، چاپ هشتم، ۱۳۸۰.
- _____، حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها، جلد‌های ۱، ۲، ۳ و ۵، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، چاپ پنجم، ۱۳۷۹.
- _____، «عصر تجربه و حقوق تجربی: اصول جبران خسارت در نظام حقوقی امریکا»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۱، پاییز ۱۳۷۷.
- کرکی، علی بن حسین عاملی، جامع المقاصد فی شرح القواعد، جلد‌های ۶ و ۱۳، چاپ دوم، موسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، قم، ۱۴۱۴ ق.
- لوراسا، میشل، مسئولیت مدنی، ترجمه محمد اشتری، نشر حقوق‌دان، ۱۳۷۵.
- مرقس، سلیمان، الوافی فی شرح القانونی المدنی، جلد ۱، جامعه القاهرة، قاهره، الطبعة الخامسة، ۱۹۹۲ م.
- مکارم شیرازی، ناصر، استفتانات جدید، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام، قم، چاپ دوم، ۱۴۲۷.
- نائینی، میرزا محمد حسین غروی، منیه الطالب فی حاشیه مکاسب، جلد ۱، المكتبة المحمدیه، تهران، ۱۳۷۳.
- نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعه فی احکام الشریعه، جلد ۱۴، موسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، قم، ۱۴۱۵ ق.
- نجفی، عباس بن علی (کاشف الغطاء)، النظر الثاقب و نیل الطالب، جلد ۱، مؤسسه کاشف الغطاء، قم، بی‌تا.
- _____، تحرير المجله، جلد ۲، المكتبة المرتضویه، قم، ۱۳۵۹.
- واحدی، جواد، گزیده متون حقوقی: قانون تعهدات سوئیس، میزان، ۱۳۸۷.

-
- Anson, William, Principles of the English Law of Contract and Agency in its Relation to Contract, London, Oxford, 19th ed, 1947.
 - Traitel, Ghestin, Law of Contract, London, Sweet & Maxwell, 9th ed, 1995.
 - Viney, Genevieve; et Patrice Jourdain, Traité de Droit Civil, Les Effets de la Responsabilité, Paris, L.G.DJ, 2001.